

# درسی دیگر از مسعود کیمیایی

انتقاد جمال شورجه از سریال میرباقری

چاپ شده در: روزنامه شرق

زمان انتشار: آذر ماه ۱۳۸۹

این یادداشت یکی از بخش های مختلف ستون "میکروسکوپ خصوصی من" بود که عنوان اغلب یادداشت هایم در صفحه آخر روزنامه های "شرق" و "اعتماد" بوده و هست؛ و با تمام توقیف ها و رفع توقیف های چندین باره این دو روزنامه، مانند فعالیت خود آنها، ادامه یافته است.

\*

\*

«اسلام ناب توام با جمال و جلال است که می تواند مخاطبان جهانی را به خود معطوف کند... خشونت بیش از حد داستان مجموعه «مختارنامه» مخاطب را رنج می دهد، با توجه به این که باید اسلام ناب را در جبهه های غرب ترویج دهیم، تبلیغ شمشیر و خون در کلیت محتوایی یک مجموعه تبدیل به کینه توزی و انتقام می شود که نهایتاً به قیام مختار می رسد». اینها عباراتی است از زبان جمال شورجه کارگردان فیلم های جنگی پراکشی مانند «دایره سرخ» و «حماسه مجنون» که در روزهای اخیر، تقریباً همزمان با ایام دهه اول محرم امسال از زبان وی (از جمله دیروز در همین صفحه) نقل شده. و این تقارن زمانی، خود وجوه تعجب برانگیز اظهارنظر این کارگردان بانفوذ سینما و تلویزیون ما را آشکارتر می کند؛ چون او درست در همان موقعی دارد خشونت جاری در مجموعه «مختارنامه» را زیر سوال می برد که شرح وقایع تاریخی سال ۶۱ قمری و ستم های روا شده در محرم آن سال، دارد همچون هر سال در ذهن و به زبان مردم ایران تکرار می شود. و راست این است که خشونت هولناک جاری در همین وقایع، انتقام سنگین مختاربن ابوعبید ثقفی در دوره های بعدی را برای مسلمانان مؤمن، دلپذیر می کند. و جالب تر این جاست که میرباقری در متن و اجرایش، هم در ابعاد مصالح داستانی روایت و هم در شکل بصری کار، مدام بر مهرورزی، فهم رفاقت، خانواده دوستی، خودداری از پرخاش، دوران طولانی شمشیر در نیام نگه داشتن و بر صبوری گاه دردآور مختار تأکید می کند تا خیزش نهایی را به روشنی و به درستی نتیجه تمام شدن

طاعت او از ظلم زمانه اش بداند. و البته در گوشه ای جدا از این بحث تاریخی/مذهبی، در ابعاد مرتبط با شرایط و آمارهای سینمای ایران، جالب تر از همه این است که شورجه برای انتقاد از «مختارنامه» به بودجه آن اشاره می کند و مدعی است که شهریار بحرانی و همکارانش، درخصوص هزینه های «ملک سلیمان» در تلویزیون «شفاف سازی» کرده اند. در حالی که اولاً هنوز رقمی که به عنوان میزان فروش این فیلم اعلام می شود، به دلیل انبوه بلیت های فروخته شده به نهادها و ادارات دولتی، با میزان تماشاگرانی که آن را در سالن ها تماشا کرده اند، فاصله آماری چشمگیری دارد و شفاف سازی درخصوص رقم واقعی فروش آن هنوز صورت نگرفته؛ چه رسد به هزینه تولید و فنی. و ثانیاً برای انکار ضرورت خشونت در برخی آثار سینمایی، مثال زدن از کار شهریار بحرانی مقادیری به ضرر گوینده تمام می شود. چون او با دو فیلم خوب و به یادماندنی «گذرگاه» و «هراس» در سینمای جنگ سال های میانی دهه شصت، ثابت کرده بود که خشونت افراطی هم در صورت کاربرد به جا، می تواند توجیه پذیر و جذاب باشد.

اما این که اساساً رفتن به سراغ مختار و داستانش از دید شورجه، اشتباه تلقی شده، مرا یاد یکی از ده ها درس مسعود کیمیایی برای سینمای ما انداخت. وقتی دکتر هوشنگ کاووسی در جایی «قیصر» و منطق روایی آن را با این سوال زیرسوال برد که پس چرا قیصر برای احقاق حق خواهر و برادر از دست رفته اش، نزد پلیس نمی رود، کیمیایی پاسخ داد قیصر آدمی است که در این موقعیت، خودش به خونخواهی برمی خیزد و پاشنه ها را ورمی کشد و به راه می افتد. و ادامه داد که آقای کاووسی می تواند درباره کسی فیلم بسازد که وقتی چنین می شود، نزد پلیس می رود. مختار ثقفی در تاریخ صدر اسلام، کسی بوده که با خشونت هر چه تمام تر، انتقام خون پیشوایش را از یزید و همسویانش ستاند. می توان فیلمی ساخت درباره کس یا کسانی از دوره های قبل یا بعد؛ که چنین نکردند. و می توان به جای این خشونت، آن «جلال و جمال» موردنظر آقای شورجه را به جهانیان معرفی و منتقل کرد؛ که حتماً از دید ایشان باید بیش از کنش

قهرمانانه مختار، به مردمان امروز و این جا آموخته شود. اما آن فیلم فرضی، حتماً «مختارنامه» نخواهد شد و نخواهد بود.